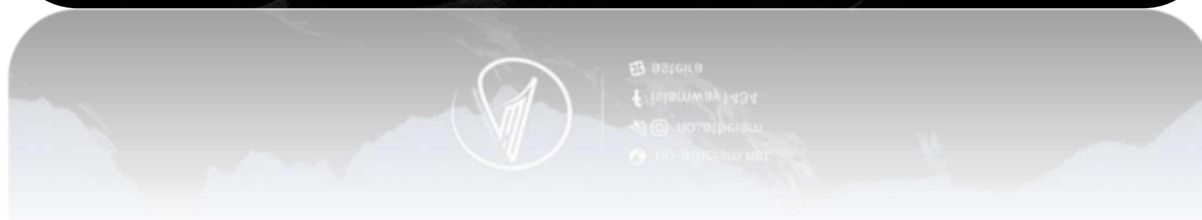
بسم الله الرحمن الرحیم

# شبهه:آیا روزه‌ی ماه رمضان سی روز است یا سه روز؟!

**تهیه شده در: «رد شبهات ملحدین»**



## شبهه: آیا روزه‌ی ماه رمضان ۳۰ روز است یا ۳ روز؟!

جدیداً برخی از جاهلان مدعی روشنفکری دینی و به تبعیت آنها اسلام‌ستیزان مغرض، شبهه‌ای را وارد کرده‌اند که در اسلام روزه‌ی ماه رمضان ۳ روز است نه ۳۰ روز و فقهای اسلامی مردم را فریب داده‌اند! در باطل بودن این گمانه‌زنی شکی نیست و کسی که به قرآن و سنت و سیره مسلمانان از صدر اسلام تا به کنون جاهل باشد فقط چنین سخن سخیفانه و بی اساسی را مطرح می‌کند.

اکنون با استناد به آیات قرآن و همچنین مستنداتی از احادیث متواتر و دیدگاه علمای اسلام به اصل شبهه پرداخته می‌شود.

مطالب اصلی را بدون ورود به حواشي و غیر مرتبط با موضوع، در پیش می‌گریم و سعی بر آن داریم که عناوین را بر اساس مفهوم شبهه‌ای که معاندین مطرح کرده‌اند معین کنیم و سپس به تشریح آنها می‌پردازیم، از این‌رو در بسیاری از موارد از نقل سخنان بی اساس معترضان اجتناب کرده‌ایم.

**الصوم**[1]؛ مصدرِ صام، یَصومُ، صوماً و صیاماً، و«الصیام همانند الصوم مصدر است.»[2] و در لغت به معنای «امساک= خودداری کردن» است و در شرع عبارتست از «خودداری از چیزهایی خاص (خوردن، نوشیدن و همبستری) در وقتِ خاصی.» و روزه‌ی رمضان، «واجب» است و اصل در

---

[1]- المصباح المنیر – الفیومی، (ط: ۱، المکتبة العلمیة، بیروت)، ج۱، ص۳۵۲؛ لسان العرب – ابن منظور، (ط: ۳، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴هـ)، ج۱۲، ص۳۵۰؛ : الدر النقی فی شرح ألفاظ الخرقی – ابن المبرد، (ط: ۱، دار المجتمع للنشر والتوزیع، جدة، ۱۴۱۱هـ)، ج۲، ص۳۵۵؛ معجم اللغة العربیة المعاصرة – أحمد مختار عمر، (ط: ۱، عالم الکتب، ۱۴۲۹هـ)، ج۲، ص۱۳۳۷.

[2]- البنایة شرح الهدایة – بدرالدین العینی، (ط: ۱، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۰هـ)، ج۴، ص۳.

وجوب آن، «قرآن»، «سنت» و «اجماع» می‌باشد و مسلمانان بر واجب بودن روزه‌ی ماه رمضان اجماع دارند.[۱]

## سال واجب شدن روزه ماه رمضان

روزه ماه رمضان در سال دوم هجری بر مسلمانان واجب شد.[۲] امام نووی رحمه الله می‌گوید: «رسول الله ﷺ رمضان نُه سال را روزه گرفت، چون آن در شعبان سال دوم هجری فرض شد و پیامبر ﷺ در ماه ربیع الاول سال یازده هجری وفات یافت.»[۳]

## آیا روزه‌ای قبل از روزه‌ی رمضان واجب بوده است؟!

این شائبه وجود دارد که قبل از واجب شدن روزه‌ی ماه رمضان، سه روز در ماه و همچنین روزه‌ی عاشورا واجب بوده سپس با واجب شدن روزه‌ی رمضان، سایر روزه‌ها منسوخ شده‌اند. این دیدگاه

---

[۱]- بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع- الکاسانی، (ط: ۲، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۶هـ)، ج۲، ص۷۵؛ بدایة المجتهد ونهایة المقتصد – ابن رشد، (ط: دار الحدیث، القاهرة، ۱۴۲۵هـ)، ج۲، ص۴۵؛ المجموع شرح المهذب – النووی، (ط: دار الفکر)، ج۶، ص۲۵۲؛ المغنی لابن قدامة، (ط: مکتبة القاهرة، ۱۳۸۶هـ)، ج۳، ص۱۰۴.

[۲]- أعلام النبوة للماوردی، (ط: ۱، دار ومکتبة الهلال، بیروت، ۱۴۰۹هـ)، ص۲۴۲؛ کشف المشکل من حدیث الصحیحین — ابن الجوزی، (ط: دار الوطن، الریاض)، ج۲، ص۲۵۵؛ شرح النووی علی مسلم، (ط: ۲، دار إحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۲هـ)، ج۱، ص۱۷۸؛ کشاف القناع عن متن الإقناع — البهوتی، (ط: دار الکتب العلمیة)، ج۲، ص۲۹۹؛ السیرة النبویة علی ضوء القرآن والسنة – أبو شُهبة، (ط: ۸، دار القلم، دمشق، ۱۴۲۸هـ)، ج۲، ص۱۰۶؛ السیرة النبویة الصحیحة – أکرم ضیاء العمری، (ط: ۶، مکتبة العلوم والحکم، المدینة المنورة، ۱۴۱۵هـ)، ج۲، ص۶۲۷؛ رحمة للعالمین — محمد سلیمان المنصورفوری، (ط: ۱، دار السلام للنشر والتوزیع، الریاض)، ص۱۹۵.

[۳]- المجموع – النووی، ج۶، ص۲۵۰، همچنین بنگرید به: فقه السنة — سید سابق، (ط: ۳، دار الکتاب العربی، بیروت، ۱۳۹۷هـ)، ج۱، ص۴۳۳.

برخی از علماء بوده لیکن دیدگاه جمهور علماء با توجه به ظاهرِ دلایلِ وارده در این مسئله بر این مبناست که قبل از روزه‌ی ماه رمضان هیچ روزه‌ای واجب نبوده است.

حافظ ابن حجر رحمه الله (م۸۵۲هـ) می‌گوید: «سلف اختلاف کرده‌اند که آیا قبل از روزه‌ی ماه رمضان روزه‌ای دیگری بر مردم واجب بوده است یا نه؟ جمهور – و این نزد شافعیه مشهور است – که هرگز روزه‌ای قبل از روزه‌ی ماه رمضان واجب نبوده است و بنابر نظر دیگری که دیدگاه حنفیه است، اولین روزه‌ای که فرض شده روزه‌ی عاشورا می‌باشد و چون [حکم وجوب] روزه‌ی ماه رمضان نازل شد روزه‌ی عاشورا نسخ گردید. از جمله دلایل شافعیه حدیث معاویه رضی الله عنه می‌باشد که به‌صورت مرفوع (از پیامبر صلی الله علیه وسلم) روایت است: "خداوند روزه‌ی عاشورا را بر شما فرض نکرده است."»[1]

حافظ بدرالدین عینی رحمه الله (م۸۵۵هـ) می‌گوید: «در اینکه کدام روزه در اسلام ابتدا واجب بوده اختلاف شده است؛ برخی گفته‌اند روزه‌ی عاشورا و برخی دیگر گفته‌اند سه روز از هر ماه، چونکه پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگامی که وارد مدینه شد سه روز هر ماه را روزه فرض نمود. – بیهقی[2] آن را روایت

[1]- فتح الباری شرح صحیح البخاری – ابن حجر، (ط: دار المعرفة، بیروت، ۱۳۷۹هـ)، ج۴، ص۱۰۳.

[2]- اصل این حدیث – که روایتی طولانی است – از طریق معاذ بن جبل رضی الله عنه روایت شده است. بنگرید به: [السنن الکبری للبیهقی، (ط: ۳، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۴هـ)، ج۴، ص۳۳۶ ح۷۸۹۵؛ سنن أبی داود، (ط: المکتبة العصریة، صیدا، بیروت)، ج۱، ص۱۴۰ ح۵۰۷؛ مسند أحمد بن حنبل، (ط: ۱، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱هـ)، ج۳۶، ص۴۳۶ ح۲۲۱۲۴] لیکن در اسناد آن «عبدالرحمن بن ابی لیلی» وجود دارد که روایتش از معاذ بن جنبل رضی الله عنه «منقطع» می‌باشد. علی بن المدینی رحمه الله گوید: «عبدالرحمن بن ابی لیلی رحمه الله از معاذ بن جبل رضی الله عنه حدیث نشنیده است!» شبیه همین مطلب را ترمذی رحمه الله، ابن خزیمه رحمه الله، منذری رحمه الله، بیهقی رحمه الله و دارقطنی رحمه الله نیز بیان کرده‌اند.[ر.ک: تحفة التحصیل فی ذکر رواة المراسیل – ابن العراقی، (ط: مکتبة الرشد، الریاض)، ص۲۰۵؛ تهذیب التهذیب – ابن حجر، (ط: ۱، دائرة المعارف النظامیة، الهند، ۱۳۲۶هـ)، ج۶، ص۲۶۲]، لذا این حدیث «ضعیف» است. امام طبری رحمه الله در تفسیرش تصریح نموده است که هیچ روایتی در این رابطه وارد نشده که بتوان بدان اقامه‌ی حجت کرد. [ر.ک: جامع البیان فی تأویل القرآن – الطبری، (ط: ۱، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۰هـ)، ج۳، ص۴۱۷]

کرده است – و هنگامی که روزه رمضان فرض شد بین روزه و اطعام دادن اختیار داد سپس همه اینها با این فرموده حق تعالی منسوخ شدند: "**فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ**؛ پس هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد." [بقره: ۱۸۵]، و [حکم] روزه‌ی فرض رمضان در شعبان سال دوم هجری نازل شد و رسول الله ﷺ نُه رمضان را روزه گرفت. و گفته شده: سلف اختلاف داشتند که آیا بر مردم قبل از روزه‌ی رمضان روزه‌ی دیگری فرض بوده یا نه؟ جمهور گفته‌اند قبل از روزه‌ی رمضان هرگز روزه‌ای واجب نشده و این نزد شافعیه مشهور است و بنابر نظر دیگری که دیدگاه حنفیه است، اولین روزه‌ای که فرض شده روزه‌ی عاشورا می‌باشد و چونکه [حکم وجوب] روزه‌ی ماه رمضان نازل شد روزه‌ی عاشورا هم نسخ گردید.»[۱] در واقع اگر دیدگاه دوم را هم بپذیریم باز اشاره به این مطلب دارد که با فرض روزه‌ی ماه رمضان تمام روزه‌های واجبِ قبل از آن منسوخ شده‌اند و این دلالت بر نسخِ سنت با قرآن است، یعنی قرآن ناسخِ حدیث در رابطه با موضوع روزه قبل از ماه رمضان بوده است و چنین نسخی نزد جمهور علماء جایز است.[۲] و در هر حال اصل ایراد مبنی بر وجوب روزه‌هایی غیر از ماه رمضان منتفی می‌شود.[۳]

---

۱- عمدة القاری شرح صحیح البخاری – بدرالدین العینی، (ط: دار إحیاء التراث العربی، بیروت)، ج۱۰، ص۲۵۴.

۲- ر.ک: معالم أصول الفقه – الجیزانی، (ط: ۵، دار ابن الجوزی، ۱۴۲۷هـ)، صص۲۶۰ – ۲۶۱؛ دراسات أصولیة فی القرآن الکریم – محمد إبراهیم الحفناوی، (ط: الإشعاع الفنیة – القاهرة، ۱۴۲۲هـ)، ص۴۳۰.

۳- دیدگاه اول یعنی نظر جمهور علماء مبنی بر عدم واجب بودن روزه قبل از ماه رمضان قوی‌تر است، زیرا احادیثی که در آن "امر" به روزه‌ی عاشورا شده است، برای ترغیب بوده نه امر وجوبی، چون با تجمیع احادیث پیرامون موضوع مربوطه، روشن می‌شود که احادیثی که در آن امر به روزه‌ی عاشورا شده با توجه به حدیث معاویه رضی الله عنه که تصریح شده که روزه‌ی عاشورا را خداوند واجب نکرده است، این "امر" برای وجوب نبوده بلکه برای نُدب و ترغیب بوده است از این‌رو این احادیث با آیه تعارضی ندارد تا اینکه سبب منسوخ شدن حکم روزه‌ی عاشورا شود!

## مشابهت روزه در اسلام و سایر ادیان

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيامُ كَما كُتِبَ عَلَى الَّذينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾[بقره: ۱۸۳]، یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما مقرر شده است، همان‌گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرر شده بود، باشد که پرهیزگاری کنید.»

با توجه به آیه، مشابهت در حکم روزه در اسلام و امّت‌های پیشین (مانند اهل کتاب) در اصل واجب بودن و عبادت آن است نه در کیفیت (چگونگی) و کمیت (مقدار) و وقت روزه.[۱]

- امام ابوبکر بن العربی رحمه الله (م۵۴۳هـ) می‌گوید: «وجه تشبیه در این آیه برای سه مورد زمان، مقدار و وصف محتمل است و این احتمال شامل همگی می‌شود... و حکم قطعی در آن تشبیه مختص به واجب بودنش است و سایر موارد محتمل (وغیر مقبول) است.»[۲]
- امام فخرالدین رازی رحمه الله (م۶۰۶هـ) می‌گوید: «در این تشبیه دو قول است؛ اول اینکه: آن به اصل وجوب روزه برمی‌گردد، یعنی این عبادت بر پیامبران و امّتها از زمان آدم به زمان شما مکتوب و واجب شده است و امّتی نبوده که خدا این روزه را بر آنها واجب نکرده باشد، پس این‌طور نیست که فقط بر شما فرض شده باشد. فایده‌ی این کلام این است که روزه عبادتی دشوار و طاقت فرسا است و چیزی که دشوار باشد اگر عمومیت پیدا کند در این حالت تحمل آن آسان می‌شود. دوم اینکه: تشبیه به وقت و مقدار روزه بر می‌گردد؛ این نظر، **"ضعیف"** است، برای اینکه تشبیه چیزی به چیزی دیگر مقتضای تساوی آن در امری از امور است اما اگر گفته شود اقتضای تساوی در تمام امور باشد پس این درست نیست.»[۳]

---

[۱]- محاسن التأويل- القاسي، (ط: ۱، دار الكتب العلميه، بيروت، ۱۴۱۸هـ)، ج۲، ص۱۸؛ تفسير المنار - محمد رشيد رضا، (ط: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۰م)، ج۲، ص۱۱۶؛ التحرير والتنوير - ابن عاشور، (ط: الدار التونسية للنشر، تونس، ۱۹۸۴م)، ج۲، ص۱۵۶.

[۲]- أحكام القرآن – ابن العربى، (ط: ۳، دار الكتب العلمية، بيروت، ۱۴۲۴هـ)، ج۱، صص۱۰۷ – ۱۰۸.

[۳]- التفسير الكبير- فخرالدين الرزى، (ط: ۳، دار إحياء التراث العربى، بيروت، ۱۴۲۰هـ)، ج۵، صص۲۳۹ – ۲۴۰.

- امام قسطلانی رحمه الله (م۹۲۳هـ) می‌گوید: «اگر بگوئیم منظور مطلق روزه بدون مقدار و وقت آن است پس تشبیه بر مطلق روزه واقع شده است و این دیدگاه جمهور می‌باشد.»[1]
- علامه محمد ابوزهره رحمه الله (م۱۳۹۴هـ) می‌گوید: «تشبیه در اصل روزه واقع شده است نه بر صفت آن و شمار روزهایش، و همین برای تشبیه کفایت می‌کند و این ثابت می‌کند که روزه تشریعی از شرایع سماوی بوده است و بر کمال واجب بودنش است و اینکه فقط مختص به مسلمانان ندارد بلکه عموم ادیان سماوی را نیز شامل می‌شود.»[2]
- دکتر سید طنطاوی رحمه الله (م۱۴۳۱هـ) می‌گوید: «تشبیه در این فرموده‌ی حق تعالی ﴿كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُم﴾ به اصل واجب بودن روزه بر می‌گردد، یعنی عبادت روزه بر امّت‌های سابق مقرر و فرض شده است لیکن با کیفیتی که فقط خدا می‌داند و هیچ نص صحیحی از رسول الله ﷺ وارد نشده که برای ما معلوم کند که روزه امّت‌های سابق چگونه بوده است... قاضی ابوبکر بن العربی رحمه الله گفته است: تشبیه اختصاص به واجب بودن روزه قطعی است و دیگر موارد (مانند کیفیت و تعداد روزهای روزه و ...) مجرد احتمال است.»[3]
- دکتر صلاح خالدی می‌گوید: «وجه شبه در آیه همان فرض روزه است و آن خودداری از غذا و نوشیدن می‌باشد اما کیفیت، احکام و شمار روزهای روزه، هر امّتی تشریع مختص به خود را داشته است همان‌طور که خداوند متعال فرموده: لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا: برای هر یک از شما [امّتها] شریعت و راه روشنی قرار داده‌ایم.»[4]

---

[1]- إرشاد الساری لشرح صحیح البخاری – القسطلانی، (ط: ۷، المطبعة الكبرى الأميرية، مصر، ۱۳۲۳هـ)، ج۳، ص۳۴۴.

[2]- زهرة التفاسیر – محمد أبوزهرة، (ط: دار الفكر العربی)، ج۱، ص۵۵۱.

[3]- التفسیر الوسیط للقرآن الكريم – محمد سعيد الطنطاوی، (ط: ۱، دار نهضة مصر، الفجالة، القاهرة، ۱۹۷۱م)، ج۱، ص۳۸۰.

[4]- القرآن ونقض مطاعن الرهبان – صلاح عبد الفتاح الخالدی، (ط: دار القلم، دمشق، ۱۴۲۸هـ)، ج۱، ص۴۲۶.

اصل روزه در امّت‌های قبل از اسلام و در ادیان و مکاتب پیشین شایع بوده است لیکن در وقت، کیفیت و هدف آن اختلاف می‌باشد و بنابراین اصالت روزه ثابت است و در قرآن کریم نیز به این اصل تصریح شده است اما برخی از مغرضین سعی دارند که روزه‌ی ماه رمضان را تحت هر شرایطی که شده از لحاظ کیفیت و وقت و تعداد آن به روزه در دین یهود و مسیحیت ربط دهند.

شکی نیست که در این ادیان مذکور روزهایی معینی بعنوان روزه برای پیروان این مکاتب واجب یا توصیه شده است اما قطعاً در کیفیت و وقت آن با روزه در اسلام تفاوت زیادی وجود دارد که در اینجا فقط به دو مثال نقض اشاره می‌کنیم تا پاسخی باشد به یاوه‌گویانی که مدعی هستند که قرآن روزه را حکم مشترک با امّت‌های پیشین قرار داده و چون در یهود و مسیحیت سه روز بعنوان روزه بوده لذا حکم روزه در اسلام نیز سه روز است نه سی روز، که جواب این یاوه‌گویان به قرار ذیل است:

### روزه در دین یهود

در دین یهود روزه‌های متعددی به مناسبات مختلف، حکم به واجب یا مستحب بودن روزه آن روزها قرار داده‌اند که برخی یک روز و برخی بیشتر اما بنابر کتاب مقدس روزه‌ی چهل روز نیز ثابت است.

«موسی چهل شبانه روز با خداوند در بالای کوه ماند. او در تمام این مدت نه چیزی خورد و نه چیزی نوشید، او بر روی لوح‌های سنگی کلمات پیمان – ده حکم – را نوشت.»[۱]

### روزه در دین مسیحی

در انجیل نیز به روزه بطور عام اشاره شده و همچنین باتوجه به اعتقاد مسیحیان به تورات، روزه در روزهای معینی ثابت است لیکن علاوه بر آن با استناد به انجیل، سیدنا مسیح عليه السلام همانند سیدنا موسی عليه السلام چهل روز، روزه گرفته است.

«عیسی چهل شبانه روز، روزه گرفت و سرانجام گرسنه شد.»[۲]

---

[۱]– تورات، خروج: ۳۴: ۲۸، همچنین بنگرید به: تثنیه: ۹: ۹ و ۱۸.

[۲]– متی: ۴: ۲؛ لوقا: ۴: ۲.

وجه استدلال: با توجه به تورات و انجیل فعلی، روزه در یهود و مسیحیت چهل روز بیان شده است در حالی که در اسلام یک ماه رمضان می‌باشد که **۲۹** یا **۳۰** روز است.

### نسخ آیه بدون دلیل مردود است!

برخی از علماء این آیه را منسوخ دانسته‌اند لیکن هیچ دلیلی برای نسخ آن وجود ندارد، زیرا:

- اثبات نسخ باید با استناد به دلیل صریح و معتبر از پیامبراکرمﷺ و یا صحابه رضی الله عنهم باشد نه مجرد نظر عامه‌ی مفسرین یا اجتهاد مجتهدین.[۱]
- نسخ در اصول عبادات و معاملات واقع نمی‌شود چونکه تمام شریعتها این اصول را در خود جا داده‌اند و در آن متفق هستند.[۲]

در نتیجه علمای محقق این ادعای نسخ در آیه را مردود دانسته‌اند و آیه را «محکم» می‌دانند.

- امام ابن جوزی رحمه الله می‌گوید: «آنچه مفسران ذکر نموده‌اند مربوط به شرح حال و توضیح روزه‌ی امّت‌های گذشته است و چگونگی واجب شدن بر آنها می‌باشد زیرا [تنها] تفسیری برای آیه است و باتوجه به این بیان، آیه اصلاً منسوخ نمی‌باشد.»[۳]
- علامه علم الدین سخاوی رحمه الله می‌گوید: «گروهی در مورد این فرموده‌ی خداوند متعال: ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ﴾ گفته‌اند: این آیه نسخ شده است؛ مسلمانان در روزه به عملکرد اهل کتاب اقتدا می‌کردند و بعد از اینکه به خواب می‌رفتند، خوردن و نوشیدن و نزدیکی با زنانشان حرام می‌بود و همچنین بعد نماز عشا اگر هم نمی‌خوابیدند، این موارد

---

[۱]- ر.ک: الإتقان فی علوم القرآن – السیوطی، (ط: الهیئة المصریة العامة للکتاب، ۱۳۹۴هـ)، ج ۳، صص ۸۱.

[۲]- دراسات فی علوم القرآن – محمد بکر اسماعیل، (ط: ۲، دار المنار، ۱۴۱۹هـ)، ص۲۴۸.

[۳]- نواسخ القرآن – ابن الجوزی، (ط: ۱، شرکه أبناء شریف الأنصاری، بیروت، ۱۴۲۲هـ)، ص۶۱.

حرام می‌شد. این نظر درست نیست بلکه معنای آیه چنین است: خداوند بر شما روزه را فرض کرده همان‌گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند فرض شده است.»[۱]

- علامه زرقانی‌رحمه الله نیز تشبیه در آیه را از تمام وجوه نمی‌داند لذا بر این اساس تعارضی پیش نمیاید، از این جهت با نبود تعارض نسخ نیز منتفی می‌شود.[۲]

## پاسخ غیرمسلمانان به اسلام‌ستیزان ایرانی

- **علی دشتی** یکی از نویسندگان معارض، روزه واجب در اسلام را نه تنها به سه روز محدود نکرده بلکه آن را ده روز و بعداً یک ماه بیان داشته است و در این رابطه می‌گوید: «... پس از هجرت به مدینه هنگامیکه قبله تغییر کرد روزه نیز به ایام معدودات مبدل شد یعنی ده روز اول محرم را روزه می‌گرفتند و پس از آنکه مسلمانان خرج خود را از یهود کاملاً جدا کردند ماه رمضان به روزه اختصاص یافت.»[۳]
- **مسعود انصاری** که در فحاشی و دشمنی با اسلام و قرآن گوی سبقت را از سایر اسلام‌ستیزان ایرانی ربوده است اما درباره‌ی روزه در اسلام می‌گوید: «یکی دیگر از آداب مذهبی اسلام که از دوره‌ی جاهلیت و پیش از ظهور محمد و اسلام ریشه می‌گیرد و کتاب قرآن آنرا بر پایه‌ی آیه‌های ۱۷۹ به بعد سوره‌ی بقره برای مسلمانان واجب دانسته، "روزه" است. تازیان پیش از ظهور اسلام، یک ماه از سال قمری را روزه می‌گرفتند و محمد این رسم را به آیین مذهبی مسلمانان اضافه کرد. ... محمد در آغاز برای روزه‌داری دو رسم تعیین کرد و سپس هر دوی آنها را از قول الله تغییر داد. بر پایه‌ی رسم اول که دارای زیربنای سیاسی بود، به مسلمانان دستور داده شده بود، در ماه عبادت کلیمیان (ماه کیپور) روزه بگیرند، ولی پس از آنکه محمد

---

۱- جمال القراء وکمال الإقراء – علم الدین السخاوی، (ط: ۱، دار المأمون للتراث، دمشق، بیروت، ۱۴۱۸هـ)، ص۳۴۳.

۲- ر.ک: مناهل العرفان فی علوم القرآن – الزرقانی، (ط: ۲، مطبعة عیسى البابی الحلبی وشرکاه)، ج۲، ص۲۵۹.

۳- بیست و سه سال، علی دشتی، (لس آنجلس: شرکت کتاب، چاپ جدید، ۲۰۱۲م)، ص۹۴.

به مدینه مهاجرت کرد و اسلام توانمند شد، محمد تصمیم گرفت راه خود را از کلیمیان جدا سازد و از اینرو تمام سی روز ماه رمضان را که به قول بی پایه‌ی او زمان نزول کتاب قرآن بوده برای روزه‌داری ویژگی داد. رسم دوم این بود که محمد در آغاز مقرر کرد که در تمام ماه رمضان، مسلمانان باید از همخوابگی خودداری کنند، ولی پس از آنکه دریافت که این کار امکان پذیر نیست، با نزول آیه ۱۸۷ سوره‌ی بقره از قول الله خدای فرمانبردار و دست به سینه‌اش، همخوابگی در ماه رمضان را برای مسلمانان روزه‌دار حلال و مجاز داشت.»[۱]

- خاورشناس روسی‌تبار، **پطروشفسکی** می‌گوید: «رکن سوم اسلام روزه یا **"**صوم**"** است که مؤمنان باید در سراسر ماه رمضان یعنی در مدت سی روز، روزه بگیرند و با روزه‌ی مسیحیان تفاوت دارد. روزه‌ی مسلمانان عبارت از امتناع از فلان و بهمان غذا و خوراکی نبوده بلکه به‌طور اعم اجتناب از خوردن هرگونه غذا و شرب هر مشروب و امتناع از هرگونه لذایذ است در طی روز از سپیده دم تا حلول تاریکی، یعنی زمانی که نخ سیاه و سفید را تشخیص نتوان داد. در عوض به هنگام شب هر چه در حال روزه ممنوع بوده مجاز است و از آن جمله هر غذایی را توان خورد. این ممنوعیت در سراسر ماه رمضان مراعات می‌شود. این صوم را قرآن امر کرده.»[۲]
- **ویل دورانت** مؤرخ و فیلسوف آمریکایی می‌گوید: «اسلام، چون دینهای دیگر، مسلمانان را به روزه‌داری می‌خواند که روزه مایه تقویت اراده و تندرستی آنها بود. پیامبر پس از چند ماه که در مدینه اقامت داشت، به مسلمانان گفت که آنها نیز، چون روزه سالانه یهودیان در یوم کیپور، روزه بگیرند؛ شاید می‌خواست یهودیان را به طرف اسلام جلب کرده باشد، و چون سرسختیشان را بدید، رمضان را ماه روزه کرد. در ماه رمضان، که در بعضی سالها بیست و نه

---

[۱]- الله اکبر، مسعود انصاری (دکتر روشنگر)، (سانفرانسیسکو: بنگاه انتشاراتی پارس، چاپ اول، ۱۳۷۵)، صص ۸۶ – ۸۷.

[۲]- اسلام در ایران، پطروشفسکی، ترجمه: کریم کشاورز، (تهران: انتشارات پیام، چاپ هفتم، ۱۳۶۳)، صص ۸۵ – ۸۶.

و در سالهای دیگر سی روز است، مسلمانان در اثنای روز از خوردن و آشامیدن و استعمال دخانیات و خلوت با زنان پرهیز می‌کنند؛ مریضان و مسافران و اطفال و پیران فرتوت و زنان باردار از روزه معافند.»[۱]

- خاورشناس آلمانی **کارل بروکلمان** می‌گوید: «روزه سومین فریضه‌ی اسلام و عبارت است از خودداری از خوردن و آشامیدن و حتی استعمال عطر، و مدت آن از طلوع صبح تا غروب آفتاب ماه رمضان است و چون این ماه قمری است و به تمام فصول میافتد انجام تکلیف خاصه در ممالک گرمسیر واقعاً فداکاری است.»[۲]
- فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی **گوستاو لوبون** می‌گوید: «روزه یکی از ارکان اسلام شمرده شده، تمام طبقات مسلمین بلااستثناء خود را به اداء آن مکلف می‌دانند که هیچ‌وقت به‌تصور اهل اروپا نمی‌گنجد. روزه در ماه رمضان گرفته می‌شود و این ماه در اوقات و فصول مختلفه‌ی سال اتفاق میافتد. مراد از روزه این است که از اول فجر تا غروب از خوردن و آشامیدن پرهیز شود، حتی قلیان و سیگار هم نمی‌توان استعمال نمود.»[۳]

## روزه‌ی ماه رمضان

خداوند متعال فرموده: ﴿أَيَّاماً مَعْدُوداتٍ فَمَنْ كانَ مِنْكُمْ مَرِيضاً أَوْ عَلى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَ عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْراً فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَ أَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾[بقره: ۱۸۴]، یعنی: « [روزه در] روزهای معدودی [بر شما مقرر شده است]. [ولی] هر کس از شما بیمار یا در سفر باشد، [به همان شماره] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد]، و بر کسانی که [روزه] طاقت‌فرساست، کفاره‌ای است که خوراک دادن به بینوایی است. و هر کس

---

[۱]– تاریخ تمدن، ویل دورانت، ترجمه: احمد آرام و دیگران، (تهران: اقبال: فرانکلین، ۱۳۳۷)، ج۴، ص۲۷۸.

[۲]– تاریخ ملل و دول اسلامی، کارل بروکلمان، ترجمه: هادی جزایری، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۶)، ص۵۹.

[۳]– تاریخ تمدن عرب و اسلام، گوستاو لوبون، ترجمه: سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، (بنگاه مطبوعاتی علی اکبر علمی، چاپ چهارم، ۱۳۳۴)، ص۵۳۸.

به میل خود، بیشتر نیکی کند، پس آن برای او بهتر است، و اگر بدانید، روزه گرفتن برای شما بهتر است.»

### أیام معدودات

أیام: جمع یوم، بر وزن "أفعال" جمع قِلة است و این جمع بر چهار وزن می‌باشد: «أفعِلة، أفعُل، أفعال، فِعلَة»[۱] و اگر گفته شود حداقل جمع سه است می گوئیم، آری لیکن مانع از این نمی‌شود که بیش از سه هم نباشد بنابراین کسی که "أیام" را بدون دلیل معتبر به عدد سه منحصر نماید بلاشک به بیراهه رفته است!

معدود: هر عددی که کم یا زیاد باشد.[۲] البته معدودات بر قِلَت (اندک) دلالت می کند چونکه هر قلتی با "الف و تاء" جمع می‌شود و جایز است که "الف و تاء" برای کثرت نیز واقع شود.[۳]

دکتر عباس حسن رحمه الله – از دانشمندان ادبیات عرب – می گوید:

«سیبویه رحمه الله گفته جمع مذکر سالم و جمع مؤنث سالم – در غالب موارد- بر عدد اندک که از سه کمتر نباشد و از ده بیشتر نیست دلالت دارد و این شبیه جمع قلة است که برای تکسیر (جمع مکسر) می‌باشد و مدلول آن در سه و ده و اعداد بین آنها منحصر می‌شود و دیگران گفته‌اند – البته نظر این گروه صحیح است – هردوی این جمع‌ها در دو امر درست هستند، اگر قرینه‌ای معین برای یکی از موارد یافت نشود مانند تعیین قِلَت در این فرموده حق تعالی: ﴿وَاذْكُرُوا اللهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ﴾ که منظور "ایام تشریق" است و آن جمع برای کم است. و تعیین جمع برای زیادت شبیه این فرموده حق تعالی در مورد صالحین است: ﴿وَ هُمْ فِي الْغُرُفاتِ آمِنُون﴾ و... .»[۴]

---

[۱]- النحو الوافی – عباس حسن، (ط: ۱۵، دار المعارف)، ج۴، ص۶۳۶.

[۲]- القاموس الفقهی لغة واصطلاحا – سعدی أبو حبیب، (ط: ۲، دار الفکر، دمشق/ سوریة، ۱۴۰۸هـ)، ص۲۴۳.

[۳]- تهذیب اللغة – الأزهری، (ط: ۱، دار إحیاء التراث العربی، بیروت، ۲۰۰۱م)، ج۱، ص۷۰؛ لسان العرب – ابن منظور، ج۳، ص۲۸۲.

[۴]- النحو الوافی – عباس حسن، ج۱، صص۱۳۷ – ۱۳۸.

ابوالحسن ابن خَرُوف رحمه الله پیشوای علم نحو در اندلس و شارح کتاب سیبویه می‌گوید:

«جمع سالم مشترک است بین قلیل و کثیر، و مؤید این سخن، فرموده‌ی حق تعالی است: ﴿وَاذْكُرُوا اللهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ﴾[البقرة: ۲۰۳]، منظور ایام تشریق و آن روزهای قلیل است. و این فرموده: ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۳] و ﴿أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ﴾[البقرة: ۱۸۴]، و این برای کثرت است.»[۱]

**جمع القلة**: عبارت است از جمعی که بر عدد ده یا بیشتر از آن با قرینه یا کمتر از آن بدون قرینه اطلاق گردد و جمع کثرت عکس آن است. گاهی جمع قلیل به جای جمع کثیر بصورت استعاره (مجاز) بکار می‌رود.[۲]

گروهی گفته‌اند منظور از این فرموده‌ی حق تعالی: ﴿أَياماً مَعْدُوْدَاتٍ﴾ روزه عاشورا و سه روز از هر ماه است که بر رسول الله صلی الله علیه وسلم روزه آنها هنگام هجرت واجب شد سپس با ماه رمضان آن روزه‌ها منسوخ شدند، این دلیل صحیح نیست چونکه ایام معدودات با این فرموده‌ی خداوند متعال: ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ﴾ تبیین و مشخص می‌شود.[۳]

- امام طبری رحمه الله (م۳۱۰هـ) می‌گوید: «بهترین قول در مورد این فرموده‌ی حق تعالی: ﴿أَيَّاماً مَعْدُوداتٍ﴾ همان روزهای ماه رمضان است.»[۴]
- امام ابن جوزی رحمه الله (م۵۹۷هـ) می‌گوید: «این فرموده خداوند: ﴿أَيَّاماً مَعْدُوداتٍ﴾ بر روزهای کم و زیاد واقع می‌شود و چون خدای متعال در پیوند آیه ﴿شَهْرُ رَمَضانَ﴾ فرموده لذا شمار روزهای

---

[۱]- المصباح المنیر – الفیومی، ج۲، ص۶۹۵.

[۲]- الکلیات – أبو البقاء الحنفی، (ط: مؤسسة الرسالة، بیروت)، ص۳۳۴؛ التعریفات – شریف الجرجانی، (ط: ۱، دار الکتب العلمیة بیروت، ۱۴۰۳هـ)، ص۷۸؛ التوقیف علی مهمات التعاریف – المناوی، (ط: ۱، عالم الکتب عبد الخالق ثروت، القاهرة، ۱۴۱۰هـ)، ص۱۳۰.

[۳]- ر.ک: جمال القراء وکمال الإقراء – علم الدین السخاوی، ص۳۴۳.

[۴]- جامع البیان فی تأویل القرآن – الطبری، (ط: ۱، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۰هـ)، ج۳، ص۴۱۷.

معدود و زمانش را بیان نموده و همچنین به روزه آن امر کرده است از این رو تشبیه [در واجب بودن] بر خود روزه واقع شده است.»[۱]

- امام فخرالدین رازی؛ (م۶۰۶هـ) می‌گوید: «در تفسیر معدودات دو نظر وجود دارد: اول: یعنی به عددی معلوم مقدر است. دوم: به معنای قلیل و اندک است. مانند این فرموده‌ی خداوند متعال: ﴿دَراهِمَ مَعْدُودَةٍ﴾ [یوسف: ۲۰] و اصل آن این است که مال قلیل (کم) با عدد معین می‌گردد و در فهمیدن مقدار آن دقت می‌شود اما مال کثیر (زیاد) مقدار فراوانی که ریخت و پاش می‌شود. و مقصود از این فرموده‌ی خداوند متعال این است: همانا من به شما رحم کردم و آسان گرفتم که روزه‌ی کل سال یا بیشتر آن را بر شما واجب نکرده‌ام و اگر می‌خواستم این کار را حتماً می‌کردم لیکن به شما رحم کردم و فقط روزه‌ی چند روزی را بر شما واجب نموده‌ام.»[۲]
- امام آلوسی؛ (م۱۲۷۰هـ) می‌گوید: «﴿أَيَّاماً مَعْدُوداتٍ﴾ یعنی تعدادی معین یا قلیل (اندک)، زیرا قلیل شمارش آن آسان است وکثیر (زیاد) اینگونه نیست. مقاتل گفته: تمام معدودات – یا معدودة – در قرآن کمتر از چهل است و به بیشتر از آن گفته نمی‌شود و منظور از این ایام (روزها) رمضان است و این نظر را ابن عباس، حسن بصری؛، ابومسلم؛ و بیشتر محققین پذیرفته‌اند – و این یکی از دیدگاه‌های شافعی؛ نیز است –، از این‌رو خداوند متعال در ابتدا خبر داده که روزه را بر ما فرض نموده سپس با این فرموده ﴿أَيَّاماً مَعْدُوداتٍ﴾ آن را توضیح داده است و ابهام را برطرف کرده و آنگاه با این فرموده‌ی حق تعالی: ﴿شَهْرُ رَمَضانَ﴾ به بیان [دقیق] آن پرداخته است.»[۳]

---

[۱]- نواسخ القرآن – ابن الجوزی، ص ۶۰.

[۲]- التفسیر الکبیر – فخرالدین الرازی، ج۵، ص۵۴۲.

[۳]- روح المعانی – آلوسی، (ط: ۱، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۵هـ)، ج ۱، ص ۴۵۴.

- علامه ابن عاشور رحمه الله (م۱۳۹۳هـ) می گوید: «﴿أَيَّاماً مَعْدُوداتٍ﴾ نزد جمهور مفسران، ماه رمضان است.»[۱]
- دکتر سید طنطاوی رحمه الله (م۱۴۳۱هـ) می‌گوید: «منظور از این روزهای معدود نزد جمهور علماء ماه رمضان است.»[۲]
- دکتر وهبة زحیلی رحمه الله (م۱۴۳۶هـ) می گوید: «منظور از ﴿أَيَّاماً مَعْدُوداتٍ﴾ رمضان است و این نظر ابن ابی لیلی رحمه الله و جمهور مفسران می‌باشد و علت وصف به معدودات به جهت تسهیل بر مکلف است چونکه این ایام [به نسبت روزهای سال] کم است.»[۳]
- دکتر محمد علی صابونی می‌گوید: «ظاهر فرموده ی خداوند متعال: ﴿أَيَّاماً مَّعْدُودَاتٍ﴾ دلالت دارد بر اینکه روزه‌ای که بر مسلمانان واجب شده است همانا روزهای رمضان است و بیشتر مفسران به این رأی رفته‌اند و این از ابن عباس رضی الله عنهما و حسن بصری رحمه الله روایت است و ابن جریر طبری رحمه الله آن را اختیار کرده است.»[۴]

## تفسیر قرآن به قرآن در أیام معدودات

برخی‌ها با استناد به تفسیر آیه به آیه در مورد آیه ﴿أَيَّاماً مَعْدُودات﴾ [بقره: ۱۸۴] با ﴿وَ اذْكُرُوا اللهَ في أَيَّامٍ مَعْدُوداتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ في يَوْمَيْنِ﴾ [بقره: ۲۰۳] چنین نتیجه گرفته‌اند که این "ایام معدودات" همان سه روز است در حالی که این نوع استدلال به دلیل ذیل مردود است:

۱) در آیه ۲۰۳ بقره برای ایام معدودات "قرینه" در "یومین" ذکر شده است؛ ﴿في أَيَّامٍ مَعْدُوداتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ في يَوْمَيْنِ...﴾ و در پاره‌ای از روایت‌ها از سلف رحمهم الله این ایام همان روزهای تشریق

---

[۱]– التحرير والتنوير – ابن عاشور، ج۲، ص۱۶۱.

[۲]– التفسير الوسيط للقرآن الكريم – محمد سعيد الطنطاوی، ج۱، ص۳۸۱.

[۳]– التفسير المنير – الزحيلی، (ط: ۲، دار الفكر المعاصر، دمشق، ۱۴۱۸هـ)، ج۲، ص۱۲۹.

[۴]– روائع البيان تفسير آيات الأحكام – محمد علی الصابونی، (ط: ۳، مكتبة الغزالی، دمشق، مؤسسة مناهل العرفان، بيروت ۱۴۰۰هـ)، ج۱، ص۲۰۰.

است.[۱] گرچه بنابر برخی دیگر از اقوال سلفﷺ به ده روز ذی الحجه اطلاق شده است.[۲] در هر حال آیه مجمل است و نیاز به مبین دارد و اگر مبین آن در خود آیه باشد و یا در روایات در هر دو حالت دلالت بر وجود قرینه می‌کند بنابراین مجرد آیه مستقل از قرینه نمی‌تواند "أیام معدودات" را در سه روز منحصر کند.

۲) بر مبنای همین تفسیر آیه به آیه، در قرآن کریم، آیه: ﴿قالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلاَّ أَيَّاماً مَعْدُودات﴾ [آل‌عمران: ۲۴] ، این ایام معدودات به بیش از سه روز اطلاق شده است. و می‌تواند معنای آن چنین باشد: «گفتند: هرگز آتش جز چند روزی به ما نخواهد رسید!» و در زبان محاوره فارسی نیز برای یک عمرِ انسان در دنیا که ممکن است چندین سال به طول انجامد اما گفته می‌شود: «دنیا چند صباحی بیش نیست!» یا «زندگی دو روز است!» و ...، که منظور تعین عدد این روزها نیست بلکه اشاره به قلیل و کم بودن این روزها از منظر گوینده است.

۳) آیه ﴿أَيَّاماً مَعْدُوداتٍ﴾ [بقره: ۱۸۴] با توجه به آیه ﴿شَهْرُ رَمَضان﴾ [بقره: ۱۸۵] تفسیر می‌شود به ماه رمضان.[۳] و "شهر" (ماه) بر سی (۳۰) روز یا بیست و نه (۲۹) روز اطلاق می‌شود.[۴]

بنابراین اطلاق روزه ماه رمضان به ایام معدودات اشاره به کم بودن این ایام است به نسبت کل ماه‌ها یا سالها یا هفته‌ها و این به جهت بلاغت است و نظر موهوم برخی‌ها که این ایام معدودات را در سه روز منحصر کرده‌اند باطل می‌باشد.

---

[۱]– ر.ک: الصحیح المسبور من التفسیر بالمأثور – حکمت بن بشیر بن یاسین، (ط: ۱، دار المآثر، المدینة النبویة، ۱۴۲۰هـ)، ج۱، ص۳۱۷.

[۲]– زاد المسیر فی علم التفسیر – ابن الجوزی، (ط: ۱، دار الکتاب العربی، بیروت، ۱۴۲۲هـ)، ج۱، ص۱۶۹.

[۳]– ر.ک: عمدة القاری – بدرالدین العینی، ج۱۰، ص۲۵۵؛ محاسن التأویل – القاسمی، ج۲، صص۱۹ – ۲۰.

[۴]– ر.ک: الاستذکار لابن عبدالبر، (ط: ۱، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۱هـ)، ج۳، ص۴۱۲؛ شرح النووی علی مسلم – النووی، ج۷، ص۱۹۰؛ فتح الباری لابن حجر، ج۴، ص۱۲۳.

**۴)** اگر قرار بر این بود که "ایاما معدودات" به سه روز تعبیر شود، قطعاً در خود آیه بدان تصریح میشد چنانچه در موارد دیگر مانند کفاره‌ی قسم به سه روز روزه تصریح شده است: ﴿... فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيامُ ثَلاثَةِ أَيَّامٍ ذلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمانِكُم ﴾ [مائده: ۸۹]، یعنی: « و کسی که [هیچ یک از اینها را] نیابد [باید] سه روز روزه بدارد. این است کفاره سوگندهای شما وقتی که سوگند خوردید.» بنابراین تفسیر "ایاما معدودات" به سه روز نمی‌تواند صحیح باشد!

## روزه‌ی گرفتن ماه رمضان اختیاری نیست!

برخی گمان کرده‌اند که بنابر آیه ﴿وَ عَلَى الَّذينَ يُطيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعامُ مِسْكينٍ﴾ [بقره: ۱۸۴] اگر افرادی هم که توانایی و تحمل روزه را دارند و مقیم و سالم باشند و مسافر هم نبوده باشند باز این رخصت برایشان وارد است که روزه نگیرند بلکه کافیست به جای آن به افراد مسکین و نیازمند طعام دهند، در واقع در اینجا شخص مختار است که روزه بگیرد یا نه، صرف نظر از اینکه چنین برداشت و تفسیری از آیه محل اختلاف است با این وجود نمی‌تواند حکم کلی، عمومی و دائمی باشد چون اختلاف در اینجا به اصل حکم روزه‌ی رمضان برنمی‌گردد بلکه در طریقه تشریع و تدریجی حکم مربوط است بنابراین اصل روزه‌ی ماه رمضان برای کسی که سالم و مقیم باشد ثابت بوده و در آن اختیاری نیست.

برای تفصیل موضوع و همچنین برای بر طرف کردن شبهه نیکوست که ادله و اقوال علماء را در این رابطه بیان کنیم:

اولاً: همان‌طور که گفته شد در تفسیری که از آیه شده اختلاف است، گروهی قائل به این بوده‌اند که در ابتدای فرض روزه تخییر بوده است و اصطلاحاً گفته می‌شود «واجب تخییری» لیکن بعداً این تخییر برداشته شد و با توجه به آیه ﴿فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْه﴾ [بقره: ۱۸۵] حکم اولیه منسوخ شد و حکم نهایی روزه ثابت گردید، مؤید این نظر احادیثی است که در این رابطه از صحابه نقل شده است:

- سلمه بن الاکوع رضی الله عنه می‌گوید: «**لما نزلت هذه الآية: ﴿وعلى الذين يطيقونه فدية طعام مسكين﴾ (البقرة: ١٨٤) كان من أراد أن يفطر ويفتدي، حتى نزلت الآية التي بعدها فنسختها**»[۱] ترجمه: «چونکه این آیه "و بر کسانی که [روزه] طاقت‌فرساست، کفاره‌ای است که خوراک دادن به بینوایی است."(بقره: ۱۸۴) نازل شد هرکس که می‌خواست روزه نمی‌گرفت و به جای آن فدیه پرداخت می‌کرد تا اینکه آیه بعدی آن (بقره: ۱۸۵) نازل شد و آن را منسوخ کرد.»
- عبدالله بن عمر رضی الله عنهما بعد از قرائت آیه ۱۸۴ سوره بقره می‌گوید: «**هي منسوخة**»[۲] ترجمه: «این آیه منسوخ است.»
- عبدالرحمن بن ابی لیلی رحمه الله می‌گوید: «**حدثنا أصحاب محمد صلى الله عليه وسلم: نزل رمضان فشق عليهم، فكان من أطعم كل يوم مسكينا ترك الصوم ممن يطيقه، ورخص لهم في ذلك، فنسختها: ﴿وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُم﴾ (البقرة: ١٨٤) فأمروا بالصوم**»[۳] ترجمه: «اصحاب محمد ﷺ برایمان نقل کرده‌اند: رمضان نازل شد و روزه‌ی آن بر ایشان سخت و دشوار آمد پس هرکس که توانایی نداشت روزه نمی‌گرفت و به اندازه‌ی هر روز نیازمندی را طعام میداد و در این حکم برایشان رخصت داده شد سپس این حکم با آخر آیه: "روزه گرفتن برای شما بهتر است." نسخ گردید و آنگاه به روزه گرفتن مأمور شدند.»

باتوجه به این دیدگاه، هرچند در ابتدا حکم روزه‌ی واجب، تخییر بوده لیکن بعداً حکم واجب تعینی آن با استناد به آیه دیگر ثابت گردیده است.[۴]

---

۱- صحیح البخاری، (ط: ۱، دار طوق النجاة، ۱۴۲۲هـ)، ج۶، ص۲۵ ح۴۵۰۷؛ صحیح مسلم، (ط: دار إحیاء التراث العربی، بیروت)، ج۲، ص۸۰۲ ح۱۱۴۵.

۲- صحیح البخاری، ج۶، ص۲۵ ح۴۵۰۶.

۳- صحیح البخاری، ج۳، ص۳۴، حدیث معلق.

۴- دفع إیهام الاضطراب عن آیات الکتاب – محمد الأمین الشنقیطی، (ط: ۱، مکتبة ابن تیمیة، القاهرة ، ۱۴۱۷هـ)، ص۳۰.

- امام طبری‌رحمه الله(م۳۱۰هـ) می‌گوید: «بهترین قول برای تفسیر آیه سخن کسانی است که گفته‌اند: ﴿وَ عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ﴾ با این فرموده‌ی خداوند متعال: ﴿فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾ نسخ شده است، زیرا "هاء" در آیه ﴿يُطِيقُونَهُ﴾ یادآوری "الصیام = روزه گرفتن" است و بدین معناست: "على الذين يطيقون الصيام فدية طعامُ مسكين = و بر کسانی که روزه طاقت‌فرساست، کفاره‌ای است که خوراک دادن به بینوایی است." و همه اهل اسلام اجماع دارند بر اینکه هرکس که توانایی روزه ماه رمضان را دارد و سالم و مقیم – غیر مسافر- باشد پس جایز نیست که روزه‌خواری کند و به نیازمند فدیه خوراک دهد. معلوم است که آیه نسخ شده است و مؤید این نظر، روایاتی است که قبلاً ذکر کردیم از معاذ بن جبل‌رضی الله عنه، ابن عمر‌رضی الله عنهما و سلمه بن الاکوع‌رضی الله عنه که آنها بعد از نزول این آیه در زمان رسول الله ﷺ در روزه‌ی ماه رمضان مختار بوده‌اند بین روزه و ساقط شدن فدیه از آنها و همچنین بین روزه‌خواری و فدیه دادن آن برای هر روز به نیازمند، این صحابه چنین می‌کردند تا اینکه آیه ﴿فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾ نازل شد، بنابراین فرضِ روزه‌ی ماه رمضان آنها را ملزم نمود و اختیار (تخییر) و فدیه را باطل کرد.»[۱]
- قاضی ابوبکر بن العربی‌رحمه الله (م۵۴۳هـ) می‌گوید: «معنای فرموده‌ی خداوند متعال این است: هرکس سالم و مقیم باشد باید روزه بگیرد و هرکس مسافر یا بیمار باشد پس روزه بر او واجب نیست و هرکس سالم و مقیم باشد باید روزه بگیرد و اگر بخواهد روزه نگیرد پس در بدل آن دادن فدیه به نیازمندان بر او واجب است آنگاه خداوند متعال با آیه ﴿فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾ [بقره: ۱۸۵] به طور قطعی آن را نسخ کرد.»[۲]
- امام ابن تیمیه‌رحمه الله (م۷۲۸هـ) می‌گوید: «به اتفاق اهل علم ثابت است – و آن در کتاب‌های صحیحِ حدیث و غیر آن و همچنین در کتاب‌های تفسیر و فقه ذکر شده است– همانا

---

[۱]- جامع البيان فی تأويل القرآن – ابن جرير الطبری، ج۳، صص۴۳۴ – ۴۳۵.

[۲]- أحكام القرآن – ابن العربی، ج۱، ص۱۱۳.

خداوند چونکه رمضان را واجب نمود شخص مقیم بین روزه گرفتن و فدیه‌ی هر روز به نیازمند مختار شد، بنابراین خوراک دادن نیازمند واجب بود و خداوند خوراک دادن بیشتر از آن را مندوب (نیکوتر) دانست و فرمود: "وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ؛ و بر کسانی که [روزه] طاقت‌فرساست، کفاره‌ای است که خوراک دادن به بینوایی است. و هر کس به میل خود، بیشتر نیکی کند، پس آن برای او بهتر است." سپس فرمود: "وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ؛ و روزه گرفتن برای شما بهتر است." از این‌رو افراد مختار بر سه درجه و مقام بودند: بالاترین آن کسی که روزه می‌گرفت، بعد از آن کسی که معادل هر روز به بیشتر از یک مسکین طعام می‌داد و کمترین آن کسی بود که به اطعام مسکین پسنده می‌کردند، سپس خداوند متعال بعد از آن [حکم] روزه را قطعی و واجب نمود و تخییر در این موارد سه‌گانه را برداشت.»[1]

باتوجه به توضیحات مذکور ثابت می‌شود که حکم وجوبی روزه تدریجی بوده است[2] و در نهایت حکم روزه‌ی ماه رمضان بر هر مسلمانِ سالم و مقیم بدون تخییر واجب شد.[3] با این حساب اصل شبهه منتفی است.

ثانیاً: چیزی ازآیه نسخ نشده بلکه «محکم» است و از زمان نزول آیه تا قیامت حکم آن ثابت است و آن در مورد مردان و زنان سالمندی است که توانایی روزه گرفتن را ندارند و معنای آن چنین است: کسانی که در جوانی توانایی و صحت بدنی را دارند و تحمل روزه را هم دارند هرگاه بیمار

---

[1]- المجموع الفتاوی – ابن تیمیة، (ط: ۱، مجمع الملک فهد لطباعة المصحف الشریف، المدینة النبویة، ۱۴۱۶هـ)، ج۳۱، ص۲۵۰.

[2]- ر.ک: تفسیر آیات الأحکام – محمد علی السایس، (ط: المکتبة العصریة للطباعة والنشر، ۲۰۰۲م)، ص۷۱.

[3]- مناهل العرفان فی علوم القرآن – الزرقانی، ج۲، ص۲۵۹.

شوند و به سن پیری برسند و به دلیل پیری توانایی روزه را نداشته باشند در این حالت در بدل آن به نیازمندان فدیه‌ای پرداخت کنند.[۱]

مؤید آن اثر صحیحی است که از ابن عباس رضی الله عنهما وارد است؛ عبدالله بن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: «**ليست بمنسوخة هو الشيخ الكبير، والمرأة الكبيرة لا يستطيعان أن يصوما، فيطعمان مكان كل يوم مسكينا**»[۲] ترجمه: «آیه منسوخ نیست [بلکه] آن در مورد مرد و زن سالمندی است که توانایی روزه گرفتن را ندارند بنابراین در بدل آن [باید] هر روز نیازمندی را خوراک دهند.»

شبیه این نظر از سعید بن مسیب رحمه الله، سعید بن جبیر رحمه الله، عکرمه رحمه الله، مجاهد رحمه الله، عبدالله بن ابی یزید رحمه الله، عطاء رحمه الله، طاوس بن کیسان رحمه الله، و ضحاک رحمه الله روایت شده است.[۳] باتوجه به این رأی دوم، دو نوع استنباط می‌توان داشت که در هر دو مورد ناقض شبهه است و آن اینکه:

- حکم آیه چون منسوخ نشده پس در همان ابتدا روزه واجب تعینی بوده و تخییری در کار نبوده است.
- حکم آیه هرچند منسوخ نشده و واجب تعینی بوده است لیکن با توجه به دیدگاه گروه اول منظور از نسخ، تخصیص است و در نزد سلف رحمهم الله گاهی نسخ معنای تخصیص را داشته است.[۴] بنابراین حکم آیه بنابر این دیدگاه ثابت می‌ماند و معمول است لیکن در حق کسانی که عاجز هستند و روزه برایشان دشوار باشد، مانند، مردان و زنان پیر و سالمندی که توانایی روزه را ندارند.

---

[۱]- ر.ک: جامع البيان فی تأويل القرآن – ابن جرير الطبری، ج۳، ص۴۲۷.

[۲]- صحيح البخاری، ج۶، ص۲۵ ح۴۵۰۵.

[۳]- جامع البيان فی تأويل القرآن – ابن جرير الطبری، ج۳، صص۴۲۹ – ۴۳۴.

[۴]- الموافقات – الشاطبی، (ط: ۱، دار ابن عفان، ۱۴۱۷هـ)، ج۳، ص۳۴۴؛ إعلام الموقعين عن رب العالمين – ابن القيم، (ط: ۱، دار الكتب العلمية، بيروت، ۱۴۱۱هـ)، ج۱، ص۲۹.

## دیدگاه برخی از علماء

امام ابن عطیه رحمه الله (م۵۴۲هـ) می‌گوید: «مفسران در مقصود آیه اختلاف دارند: معاذ بن جبل رضی الله عنه، ابن عمر رضی الله عنهما، سلمه بن الاکوع رضی الله عنه، علقمه رحمه الله، نخعی رحمه الله، حسن بصری رحمه الله، شعبی رحمه الله و ابن شهاب رحمه الله گفته‌اند: [باتوجه به آیه ۱۸۴ بقره] اینگونه روزه گرفتن بر مردم واجب گشت و هرکس مختار بود روزه بگیرد و یا روزه نگیرد بلکه در بدل آن نیازمندی را غذا دهد سپس این حکم با آیه: فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ؛ پس هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد. [بقره: ۱۸۵] نسخ شد. و گروهی دیگر گفته‌اند: وعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ؛ یعنی بر پیرمردان و پیرزنانی که توانایی روزه را دارند لیکن برایشان سخت و طاقت‌فرسا است لذا خداوند متعال بین پرداخت فدیه و روزه نگرفتن رخصت داده است و آیه نزد این گروه محکم است و باتوجه به این تفسیر، قرائت (يُطَوَّقُونَهُ) و(يَطَّوَّقُونَهُ) آمده است.»[۱]

امام قرطبی رحمه الله(م۶۷۱هـ) می‌گوید: «علماء در مورد مطلوب آیه اختلاف دارند: گفته شده آیه منسوخ است. بخاری رحمه الله با اسنادش روایت کرده از ابن ابی لیلی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم: "روزه‌ی رمضان نازل شد و بر آنها طاقت‌فرسا بود لذا هرکس به اندازه‌ی هر روز آن به مسکینی طعام می‌داد و روزه نمی‌گرفت و هرکس روزه برایش دشوار بود در ترک آن مجاز بود سپس این حکم منسوخ شد." با سندهای صحیح از ابن‌عباس رضی الله عنهما ثابت است که این آیه منسوخ نشده بلکه در حق کسانی که در آیه ذکر شده محکم می‌باشد. و قول اول نیز صحیح است مگر اینکه احتمال داشته باشد که نسخ اینجا به معنای تخصیص باشد چون سلف رحمهم الله در موارد زیادی نسخ را بر معنای تخصیص اطلاق نموده‌اند.»[۲]

---

[۱]- : المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز – ابن عطیة، (ط: ۱، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۲هـ)، ج۱، ص۲۵۲.

[۲]- الجامع لأحکام القرآن – القرطبی، (ط: ۲، دار الکتب المصریة، القاهرة، ۱۳۸۴هـ)، ج۲، صص۲۸۸ – ۲۸۹.

## هرکس (مقیم و سالم) ماه رمضان را درک کند باید روزه بگیرد!

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿شَهْرُ رَمَضانَ الَّذي أُنْزِلَ فيهِ الْقُرْآنُ هُدىً لِلنَّاسِ وَ بَيِّناتٍ مِنَ الْهُدى وَ الْفُرْقانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَ مَنْ كانَ مَريضاً أَوْ عَلى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُريدُ اللهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لا يُريدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَ لِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَ لِتُكَبِّرُوا اللهَ عَلى ما هَداكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [بقره: ۱۸۵]، ترجمه: «ماه رمضان [همان ماه] است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است، [کتابی ] که مردم را راهبر، و [متضمّن] دلایل آشکار هدایت، و [میزان] تشخیص حق از باطل است. پس هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد، و کسی که بیمار یا در سفر است [باید به شماره آن،] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد]. خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد؛ تا شماره [مقرر] را تکمیل کنید و خدا را به پاس آنکه رهنمونیتان کرده است به بزرگی بستایید، و باشد که شکرگزاری کنید.»

چند نکته در مورد آیه مذکور:

- در این آیه، شهر رمضان که به معنای ماه رمضان است خبر است برای مبتدای محذوف و تقدیر آن چنین است: « الأيام المعدودات شهر رمضان...»[1]
- ﴿شَهِدَ﴾ می‌تواند به معنای "حَضَرَ" باشد همان‌طور که گفته می‌شود: «فلان شهد بدراً» یا «فلان شهد أُحداً»؛ یعنی: «فلانی در بدر یا اُحد حضور داشت.» ﴿الشَّهْرَ﴾ منصوب، «مفهول فیه» برای فعل شَهِدَ؛ در این ماه حاضر(مقیم) باشد، یعنی مسافر نباشد[2] و آن با جمله‌ی بعدی آیه ﴿مَنْ كانَ مَريضاً أَوْ عَلى سَفَرٍ﴾ مناسبت دارد. پس هرکس در این ماه حاضر (مقیم) باشد باید

---

[1]- التحریر والتنویر – ابن عاشور، ج۲، ص۱۶۹؛ همچنین بنگرید به: [الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز – الواحدی، (ط: ۱، دار القلم، الدار الشامیة، دمشق، بیروت، ۱۴۱۵هـ)، ص۱۵۰؛ لباب التأویل فی معانی التنزیل – الخازن، (ط: ۱، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۵هـ)، ج۱، ص۱۱۲]

[2]- ر.ک: زاد المسیر فی علم التفسیر – ابن الجوزی، ج۱، ص۱۴۳.

همه‌ی آن را روزه بگیرد و از این فهمیده می‌شود که اگر بخشی از ماه را حاضر(مقیم) باشد مقدار روزهایی را که حاضر بوده است روزه بگیرد.[۱] و همچنین جایز است که «شَهِدَ» به معنای «عَلِمَ» باشد مانند این فرموده‌ی حق تعالی: ﴿شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ لَا إِلهَ إِلَّا هُوَ﴾ [آل عمران: ۱۸] پس در این حالت منصوب بودن «الشهر» بنابر «مفعول به» با تقدیر مضاف است، یعنی: «علم بحلول الشهر» و «شهد» به معنای «رأی» نیست، زیرا برای معنای «رأی» «شاهد» میاید نه «شَهِدَ» و همچنین «الشَّهر» در اینجا به معنای «هلال» نیست چون در این حالت وجوب روزه برای هرکس که هلال ماه را ببیند ثابت می‌شود و اگر کسی هلال را نبیند روزه بر وی واجب نخواهد بود و این نظر باطل است چون در آیه طریقه‌ی اثبات رؤیتِ هلال ذکر نشده است.[۲]

- ﴿مِنْكُم﴾ ضمیر در اینجا به ﴿الَّذِينَ آمَنُوا﴾ [بقره: ۱۸۳] بر می‌گردد؛ یعنی هرکس از شما که در این ماه مقیم باشد روزه آن را بگیرد.[۳]
- حرف «الف و لام» در ﴿الشَّهْرَ﴾ برای «عهد» است که آن ﴿شَهْرُ رَمَضانَ﴾ می‌باشد.[۴] مانند این فرموده‌ی خداوند متعال: ﴿لَوْ لا جاؤُ عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَداءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَداءِ﴾ [نور: ۱۳][۵]

---

[۱]- ر.ک: معالم التنزیل فی تفسیر القرآن – البغوی، (ط: ۱، دار إحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰هـ)، ج۱، ص۲۱۷؛ امام سمعانی رحمه الله در تفسیرش می نویسد: «ابوالعباس محمد بن یزید المبرد رحمه الله دربیان آیه ﴿فَمن شهد مِنْکُم الشَّهْر فليصمه﴾ گفته است: پس هرکس از شما مقیم باشد و ماه را درک نماید پس آن را روزه بگیرد.» [تفسیر القرآن – السمعانی، (ط: ۱، دار الوطن، الریاض، ۱۴۱۸هـ)، ج۱، ص۱۸۳] و این دیدگاه «جمهور» است. [ر.ک: التفسیر الحدیث – دروزة محمد عزت، (ط: دار إحیاء الکتب العربیة، القاهرة، ۱۳۸۳هـ)، ج۶، ص۳۰۶]

[۲]- التحریر والتنویر – ابن عاشور، ج۲، صص۱۷۳ – ۱۷۴.

[۳]- التفسیر الوسیط للقرآن الکریم – الطنطاوی، ج۱، ص۳۸۸.

[۴]- البحر المحیط فی التفسیر – أبو حیّان الأندلسی، (ط: دار الفکر، بیروت، ۱۴۲۰هـ)، ج۲، ص۱۹۷.

[۵]- التفسیر الکبیر – الفخر الرازی، ج۵، ص۲۵۵.

- حرف «لام» در ﴿فَلْيَصُمْهُ﴾ برای «امر» است[1] که باز مدلول«وجوب» در روزه‌ی ماه رمضان است.
- ﴿وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ﴾ در اینجا «مریض» و «مسافر» از این جهت تکرار شده چون در آیه قبلی حکم روزه برای آنها تخییر بود و چون با این آیه اخیر منسوخ شده است لذا مجدداً آنها را آورده است تا حکم تخییر برای آنها همچنان باقی بماند.[2]
- ﴿فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ﴾ یعنی هر کس از شما بیمار یا مسافر باشد و روزه‌خواری کند پس باید [روزه را] قضاء کند. جمهور علماء بر این دیدگاه هستند که مردم شهری اگر بیست و نه روز را روزه گرفته باشند و در این شهر اگر شخصی بیمار که سالم نیست باشد پس باید بیست و نه روز را روزه بگیرد. و ﴿فَعِدَّةٌ﴾ شمار روزهایی که روزه‌خواری شده در آن قضاء می‌شود و بدون تردید اگر کسی بخشی از ماه رمضان را روزه‌خواری کرده باشد معادل همان را بعداً باید قضاء نماید.[3]
- ﴿يُرِيدُ اللهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ﴾ یعنی برای بیمار و مسافر و سایر افرادی که معذور هستند رخصت داده شده که روزه نگیرند به دلیل اینکه خداوند برای شما آسانی می‌خواهد و فقط شما را به قضای روزه امر می‌کند تا شماره‌ی ماهتان را تکمیل کنید.[4]

---

[1]- المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز – ابن عطية، ج١، ص٢٥۴؛ الجامع لأحكام القرآن – القرطبى، ج٢، ص٢٩٩؛ البحر المحيط فى التفسير – أبو حيّان الأندلسى، ج٢، ص١٩٨؛ إعراب القرآن وبيانه – محيى الدين درويش، (ط: ۴، دار الإرشاد للشئون الجامعية – حمص، سورية، ١۴١۵هـ)، ج١، ص٢۶٢.

[2]- الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز – الواحدى، ص١۵٠.

[3]- الجامع لأحكام القرآن – القرطبى، ج٢، ص٢٨١.

[4]- تفسير القرآن العظيم – ابن كثير، (ط: ٢، دار طيبة للنشر والتوزيع، ١۴٢٠هـ)، ج١، ص۵٠۵.

بنابراین این بخش از آیه تعلیلی برای جمله‌ی قبلی است.[۱] عبد الله بن عباس رضی الله عنهما می‌گوید:

«الیسر؛ یعنی روزه‌خواری در سفر و العسر؛ یعنی روزه گرفتن در سفر.»[۲]

برخی از جاهلان این بخش از آیه را حمل بر این کرده‌اند که چون خداوند خواسته آسان بگیرد نه سختی، لذا خدا روزه را بر سه روز تقلیل داده است و بیان داشته‌اند که روزه مشقت است خصوصاً در صحرای سوزان عربستان و در تابستان لذا با توجه به این بخش از آیه، روزه سی روز نیست بلکه سه روز است! در جواب به این بی خردان باید گفت که اینجا اراده‌ی خداوند تشریعی و عمومی و شامل کل دین است و روزه بعنوان مصداقی از این عموم خواست خداوند بر این بوده که نسبت به بیماران و مسافران و کسانی که توانایی روزه گرفتن را ندارند و معذور هستند تخفیف داده و آسان بگیرد، سیاق آیه نیز بر آن دلالت دارد و شبیه آن در آیات دیگر در رابطه با موضوعات مختلف دین وارد است؛ به‌طور نمونه:

- در مورد وضوء، غسل و تیمم برای نماز و بعد از بیان مراحل ترتیبی آن می‌فرماید: ﴿يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا ... ما يُريدُ اللهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَ لكِنْ يُريدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَ لِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُون﴾ [مائده: ۶]، ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید ... خدا نمی‌خواهد بر شما تنگ بگیرد، لیکن می‌خواهد شما را پاک، و نعمتش را بر شما تمام گرداند، باشد که سپاس [او] بدارید.»
- در مورد جهاد، می‌فرماید: ﴿وَ جاهِدُوا فِي اللهِ حَقَّ جِهادِهِ هُوَ اجْتَباكُمْ وَ ما جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ﴾ [حج: ۷۸]، ترجمه: «و در راه خدا چنانکه حق جهاد [در راه] اوست جهاد کنید، اوست که شما را [برای خود] برگزیده و در دین بر شما سختی قرار نداده است.»

---

[۱]- تفسیر المنار - محمد رشید رضا، ج۲، ص۱۳۲؛ تفسیر الفاتحة والبقرة – العثيمين، (ط: ۱، دار ابن الجوزی، المملكة العربية السعودية، ۱۴۲۳هـ)، ج۲، ص۳۳۵؛ التفسير المنير – الزحيلی، ج۲، ص۱۲۹.

[۲]- الصحيح المسبور من التفسير بالمأثور - حكمت بن بشير بن ياسين، ج۱، ص۲۸۹.

نتیجه اینکه روزه فقط بر کسی که توانایی دارد و سالم و مقیم باشد واجب است و مسافر و بیماری که به سبب شدت بیماری روزه برایشان دشوار است، روزه‌خواری جایز است لیکن قضای آن در روزهای دیگر از سال بر آنان واجب می‌باشد چون بیماری و سفر طولانی – در آن قصر نماز به دلیل مشقت و دشواری راه جایز است – طاقت‌فرسا و دشوار است و سختی، آسانی را به دنبال دارد همان‌طور که خداوند متعال فرموده: ﴿يُرِيدُ اللهُ بِكُمُ الْيُسْرَ، وَلا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾ [بقره: ۱۸۵]، یعنی: « خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد.»[1]

## روزه‌ی کفاره در قرآن

برخی از اسلام‌ستیزهای ایرانی از روی نادانی می‌گویند «کجای قرآن به روزه‌ی یک ماه و یا ۶۰ روز اشاره کرده است؟» در جواب به این جاهلان باید گفت کسی که هیچ اعتقادی به قرآن ندارد و بلکه دشمن آن است و لای مصحف را هم باز نکرده طبیعیست که چنین اعتراضات سخیفانه‌ای داشته باشد. خداوند متعال در بیان کفاره‌ی برخی از گناهان، به صراحت بیان داشته که ۶۰ روز بعنوان روزه‌ی واجب[2] بر کسانی که برخی از گناهان خاص مرتکب شده‌اند لازم است به جا بیاورند که آیه و متن آن به قرار ذیل است.

- ﴿وَ إِنْ كانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ ميثاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلى أَهْلِهِ وَ تَحْريرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيامُ شَهْرَيْنِ مُتَتابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللهِ وَ كانَ اللهُ عَليماً حَكيما﴾ [نساء: ۹۲]، یعنی: «و اگر [مقتول] از گروهی است که میان شما و میان آنان پیمانی است، باید به خانواده وی خونبها پرداخت نماید و بنده

---

[1]– التفسير المنير – الزحيلي، ج۲، ص۱۳۳.

[2]– در اینجا منظور «واجب تخییری» یا همان «واجب غیر معین» است یعنی مکلف در انجام چند چیز مختار است لیکن انجام اصل حکم برای وی حتمی است. مانند کفاره قسم که حکم آن واجب است اما با انجام یکی از موارد سه گانه که در قرآن بیان شده – اختیاراً– تحقق پیدا می‌کند؛ آزاد کردن برده یا اطعام ده مسکین یا لباس دادن آنها یا سه روز، روزه گرفتن.

مؤمنی را آزاد کند. و هر کس [بنده] نیافت، باید دو ماه پیاپی –به عنوان توبه‌ای از جانب خدا– روزه بدارد، و خدا همواره دانای سنجیده‌کار است.»

- ﴿وَ الَّذينَ يُظاهِرُونَ مِنْ نِسائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِما قالُوا فَتَحْريرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَماسَّا ذلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِ وَ اللهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبيرٌ * فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيامُ شَهْرَيْنِ مُتَتابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَماسَّا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَإِطْعامُ سِتِّينَ مِسْكيناً ذلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللهِ وَ رَسُولِهِ وَ تِلْكَ حُدُودُ اللهِ وَ لِلْكافِرينَ عَذابٌ أَليمٌ﴾ [مجادله: ۳ – ۴]، یعنی: «و کسانی که زنانشان را ظهار می‌کنند، سپس از آنچه گفته‌اند پشیمان می‌شوند، بر ایشان [فرض] است که پیش از آنکه با یکدیگر همخوابگی کنند، بنده‌ای را آزاد گردانند. این [حکمی] است که بدان پند داده می‌شوید، و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. * و آن کس که [بر آزادکردن بنده] دسترسی ندارد، باید پیش از تماس [با زن خود] دو ماه پیاپی روزه بدارد؛ و هر که نتواند، باید شصت بینوا را خوراک بدهد. این [حکم] برای آن است که به خدا و فرستاده او ایمان بیاورید، و این است حدود خدا. و کافران را عذابی پردرد خواهد بود.»

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این آیات برای کفاره، به دو ماه روزه (صیام شهرین) تصریح شده است و سوره‌های نساء و مجادله مدت‌ها بعد از واجب شدن روزه‌ی ماه رمضان نازل شده‌اند بلکه سوره‌ی بقره که در آن به واجب شدن روزه تصریح شده به اتفاق علماء اولین سوره‌ای بوده که در مدینه نازل شده است.[۱]

## روزه ماه رمضان در سنتِ متواتر

در سنت قطعی الصدور، به وجوب روزه‌ی ماه رمضان تصریح شده است، به‌طور نمونه:

۱) «عن طلحة بن عبيد الله، أن رجلا جاء إلى النبي – صلى الله عليه وسلم – ثائر الرأس، فقال: يا رسول الله أخبرني ماذا فرض الله علي من الصيام؟ قال: شهر رمضان. قال: هل علي غيره؟ قال:

---

[۱]– ر.ک: فتح الباری شرح صحیح البخاری – ابن حجر، ج۸، ص ۱۶۰؛ التحریر والتنویر – ابن عاشور، ج۱، ص۲۰۱.

**لا، إلا أن تطوع شيئا.»**[1] ترجمه: «طلحه بن عبیدالله ﷺ می‌گوید: مردی با موی پراکنده به خدمت پیامبرﷺ آمد و عرض کرد: ای رسول الله! خداوند چقدر بر من روزه فرض کرده است؟ آنحضرتﷺ فرمودند: روزه ماه رمضان. آن‌مرد گفت: آیا غیر آن بر من فرض است؟ آنحضرتﷺ فرمودند: نه، مگر چیزی که تطوع (سنت) باشد.»

وجه استدلال: براساس این حدیث صحیح، تنها روزه‌ی رمضان واجب شده است و روزه‌ی غیر آن جزو صیام تطوع (مندوب) می‌باشد و اگر قرار بر روزه گرفتن سه روز در ماه بود می‌بایست پیامبراکرمﷺ بدان تصریح می‌نمود چونکه اگر سه روز واجب باشد اصل بر بیان آن لازم آید!!!

۲) **«عن عمر بن الخطاب رضي الله تعالى عنه قال: بينما نحن جلوس عند رسول الله صلى الله عليه وسلم إذ طلع علينا رجل شديد بياض الثياب، شديد سواد الشعر، لا يرى عليه أثر السفر، ولا يعرفه منا أحد، فجلس إلى النبي صلى الله عليه وسلم، فأسند ركبتيه إلى ركبتيه، ووضع كفيه على فخذيه، وقال: يا محمد! أخبرني عن الإسلام؟ قال: أن تشهد أن لا إله إلا الله وأن محمداً رسول الله، وتقيم الصلاة، وتؤتي الزكاة، وتصوم رمضان، وتحج البيت إن استطعت إليه سبيلاً.»**[2] ترجمه: «از عمر بن خطاب ﷺ روایت است که گوید: ما روزی در محضر رسول اللهﷺ نشسته بودیم. ناگهان مردی با لباس‌های بسیار سفید و موهای بسیار سیاه بر ما ظاهر گشت که هیچ نشانه‌ای از مسافر بودنش به چشم نمی‌خورد و هیچ یک از ما او را نمی‌شناخت. تا اینکه آمد و پیش روی رسول اللهﷺ نشست و دو زانویش را به دو زانوی حضرتﷺ چسباند و دست‌هایش را روی ران‌های خویش نهاد. آنگاه گفت: ای محمد! از اسلام برایم بگو. رسول اللهﷺ فرمودند: اسلام آن است که شهادت دهی جز خدا هیچ معبودی وجود ندارد و محمد، پیامبر خدا است و نماز به پا داری و زکات بپردازی و ماه رمضان، روزه بگیری و در صورت توانایی، حج خانه‌ی خدا بکنی.»

---

[1] - صحیح البخاری، ج۳، ص۱۷۹ ح۲۶۷۸ ؛ صحیح مسلم، ج۱، ص۴۰ ح۱۱.

[2] - صحیح مسلم، ج۱، ص۳۶ ح۸.

توجه: این حدیث از طریق: ۱. عمر بن خطاب رضی الله عنه، ۲. عبدالله بن عمر رضی الله عنهما، ۳. عبدالله بن عباس رضی الله عنهما، ۴. ابوهریره رضی الله عنه، ۵. ابوذرغفاری رضی الله عنه، ۶. انس بن مالک رضی الله عنه، ۷. جریر بَجَلی رضی الله عنه، ۸. ابوعامر اشعری رضی الله عنه روایت شده است.[۱] از این‌رو برخی از علماء این حدیث را جزء احادیث «متواتر» ذکر نموده‌اند.[۲]

۳) «**عبد الله بن عمر بن الخطاب رضي الله تعالى عنهما قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: بُني الإسلام على خمس: شهادة أن لا إله إلا الله وأن محمداً رسول الله، وإقام الصلاة، وإيتاء الزكاة، وحج البيت، وصوم رمضان.**»[۳] ترجمه: «عبدالله بن عمر بن خطاب رضی الله عنهما گوید: شنیدم رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: اسلام با پنج رکن استوار شده است: شهادت دادن به اینکه جز خدا هیچ معبود برحقی نیست، و محمد پیامبرخداست، برپای داشتن نماز، دادنِ زکات، حج خانه‌ی خدا و روزه‌ی ماه رمضان.»

۴) «**عن أبي هريرة، قال: لما حضر رمضان، قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: قد جاءكم رمضان، شهر مبارك، افترض الله عليكم صيامه، تفتح فيه أبواب الجنة، وتغلق فيه أبواب الجحيم، وتغل فيه الشياطين، فيه ليلة خير من ألف شهر، من حرم خيرها، فقد حرم.**»[۴] ترجمه: «از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گوید: چون ماه رمضان آید، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: ماه مبارک رمضان برای‌تان فرا رسیده که خداوند روزه گرفتن را در این ماه برای‌تان فرض کرده است، دروازه‌های آسمان در این ماه گشوده می‌شود و دروازه‌های جهنم در این ماه بسته می‌شود، شیاطین سرکش در آن به زنجیر کشیده می‌شوند. خداوند در این ماه شبی دارد که از هزار ماه بهتر است و هر کس از خیر این شب محروم شود، قطعاً محروم است.»

---

[۱]– فتح الباری شرح صحیح البخاری – ابن حجر، ج ۱، ص ۱۱۶.

[۲]– ن .ک: نظم المتناثر من الحدیث المتواتر – محمد الکتانی، (ط: ۲، دار الکتب السلفیة، مصر)، ص ۴۲.

[۳]– صحیح البخاری، ج۱، ص۱۱ح۸؛ صحیح مسلم، ج۱، ص۴۵ ج۱۶.

[۴]– مسند أحمد بن حنبل، (ط: ۱، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱هـ)، ج۱۲، ص۵۹ ح۷۱۴۸؛ السنن الکبری للنسائی، (ط: ۱، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۲۱هـ)، ج۳، ص۹۶ ح۲۴۲۷ – حدیث «صحیح» است.

۵) «**عبدالرحمن بن عوف عن رسول الله صلى الله عليه وسلم، قال: إن الله عز وجل فرض صيام رمضان ... .**»[۱] ترجمه: « عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه از رسول الله ﷺ روایت نموده که فرمودند: همانا خداوند عزّوجلّ روزه‌ی رمضان را فرض کرده است.»

۶) «**سلمان قال: خطبنا رسول الله صلى الله عليه وسلم في آخر يوم من شعبان فقال: أيها الناس قد أظلكم شهر عظيم، شهر مبارك، شهر فيه ليلة خير من ألف شهر، جعل الله صيامه فريضة، وقيام ليله تطوعا... .**»[۲] ترجمه: «سلمان فارسی رضی الله عنه گوید: رسول الله ﷺ در آخرین روز شعبان برایمان خطبه خواند و فرمودند: ای مردم! ماه بسیار بزرگ، و مبارک بر شما سایه افکنده، ماهی که در آن شبی است بهتر از هزار ماه، خداوند روزه‌ی آن را فریضه، و قیام اللیل (نماز شب) آن را تطوع (مندوب) قرار داده است.»

۷) «**عن أبي هريرة قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: من صام رمضان، إيمانا واحتسابا، غفر له ما تقدم من ذنبه**»[۳] ترجمه: «از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله ﷺ فرمودند: هر کس با ایمان و امید به کسب ثواب، ماه رمضان را روزه بگیرد، گناهان (صغیره‌ی) گذشته‌اش بخشیده می‌شود.»

۸) «**عن أبي أيوب الأنصاري قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: من صام رمضان ثم أتبعه ستة أيام من شوال، فكأنما صام الدهر**»[۴] ترجمه: «از ابوایوب انصاری رضی الله عنه روایت است که گفت:

---

[۱]- مسند أحمد بن حنبل، ج۳، ص۱۹۸ ح ۱۶۶۰؛ صحیح ابن خزیمة، (ط: المکتب الإسلامی، بیروت)، ج۳، ص۳۳۵ ح ۲۲۰۱- حدیث «صحیح» است.

[۲]- صحیح ابن خزیمة، ج۳، ص۱۹۱ ح۱۸۸۷؛ شعب الایمان للبیهقی، (ط: ۱، مکتبة الرشد، الریاض، ۱۴۲۳هـ)، ج۵، ص۲۲۳ ح ۳۳۳۶.

[۳]- صحیح البخاری، ج۱، ص۱۶ ح۳۸؛ صحیح مسلم، ج۱، ص۵۲۳ ح ۷۶۰.

[۴]- صحیح مسلم، ج۲، ص۸۲۲ ح۱۱۶۴؛ صحیح ابن خزیمة، ج۳، ص۲۹۷ ح۲۱۱۴؛ صحیح ابن حبان، (ط: ۲، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۱۴هـ)، ج۸، ص۳۹۶ ح ۳۶۳۴.

رسول اللهﷺ فرمودند: هرکه ماه رمضان را روزه بگیرد، سپس در پی آن شش روز از ماه شوال را روزه بگیرد؛ همچون روزه داشتن همه‌ی سال است.»

توجه: این حدیث از طریق: ۱. ابوایوب انصاری رضی الله عنه، ۲. ثوبان رضی الله عنه، ۳. جابر بن عبد الله رضی الله عنهما، ۴. ابوهریره رضی الله عنه، ۵. ابن عباس رضی الله عنهما، ۶. ابن عمر رضی الله عنهما، ۷. غَنّام رضی الله عنه، ۸. براء بن عازب رضی الله عنه روایت شده است.[۱]

۹) «عن أبي هريرة رضي الله عنه، يقول: قال النبي صلى الله عليه وسلم: صوموا لرؤيته وأفطروا لرؤيته، فإن غبي عليكم فأكملوا عدة شعبان ثلاثين»[۲] ترجمه: «از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که می‌گوید: پیامبرﷺ فرمودند: با رؤیت (هلال رمضان) روزه بگیرید و با رؤیت (هلال شعبان) افطار کنید، پس اگر (به خاطر وجود موانعی، هلال) بر شما پوشیده ماند پس ماه شعبان را با سی روز کامل کنید.»

توجه: این حدیث از طریق: ۱. ابوهریره رضی الله عنه، ۲. ابن عباس رضی الله عنهما، ۳. ابن عمر رضی الله عنهما، ۴. براء بن عازب رضی الله عنه، ۵. جابر بن عبدالله رضی الله عنهما، ۶. طَلَق بن علی رضی الله عنه، ۷. اسامة بن عمیر رضی الله عنه (پدر ابو الملیح) روایت شده است که بنابر تصریح امام طحاوی رحمه الله، این حدیث از پیامبراکرمﷺ «متواتر» می‌باشد.[۳]

۱۰) «عدي بن حاتم، قال: قال لي رسول الله صلى الله عليه وسلم: إذا جاء رمضان فصم ثلاثين إلا أن ترى الهلال قبل ذلك»[۴] ترجمه: «عدی بن حاتم رضی الله عنه می‌گوید: رسول اللهﷺ به من فرمودند: هرگاه ماه رمضان فرا رسید پس سی روز روزه بگیر مگر اینکه قبل از آن هلال را رؤیت کنی.»

۱۱) «عن عائشة رضي الله عنها، قالت: كان يوم عاشوراء تصومه قريش في الجاهلية، وكان النبي صلى الله عليه وسلم يصومه فلما قدم المدينة صامه وأمر بصيامه، فلما نزل رمضان كان رمضان

---

[۱]- ر.ک: نظم المتناثر من الحديث المتواتر – الكتانی، ص۱۳۴.

[۲]- صحیح البخاری، ج۳، ص۲۷ ح۱۹۰۹؛ صحیح مسلم، ج۲، ص۷۶۲ ح۱۰۸۱.

[۳]- نظم المتناثر من الحديث المتواتر – الكتانی، ص۱۲۹.

[۴]- شرح معانی الآثار للطحاوی، (ط: ۱، عالم الكتب، ۱۴۱۴هـ)، ج۱، ص۴۳۷ ح۲۵۴۱ – «حديث حسن»

الفريضة، وترك عاشوراء، فكان من شاء صامه ومن شاء لم يصمه»[1] ترجمه: «از عائشه رضی الله عنها روایت است فرمود: قریش در جاهلیت روز عاشورا را روزه می‌گرفتند و پیامبر ﷺ نیز آن را روزه می‌گرفت و هنگامی که وارد مدینه شد آن روز را روزه گرفت و امر به روزه‌ی آن داد و چونکه [حکم واجب روزه‌ی] ماه رمضان نازل شد، روزه‌ی عاشورا را ترک کرد و هرکس می‌خواست آن را روزه می‌گرفت و یا ترک می‌کرد.»

۱۲) «عن عائشة قالت: وكان رسول الله صلى الله عليه وسلم ... ولا صام شهرا كاملا غير شهر رمضان.»[2] ترجمه: «از عائشه رضی الله عنها روایت است فرمود: رسول الله ﷺ هیچ ماهی را کامل روزه نگرفته بجز ماه رمضان.»

۱۳) «عن ابن عباس رضي الله عنهما، قال: ما صام النبي صلى الله عليه وسلم شهرا كاملا قط غير رمضان»[3] ترجمه: «از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است فرمود: پیامبر ﷺ هرگز ماه کاملی را روزه نگرفت بجز ماه رمضان.»

نتیجه: این احادیث سنداً و متناً صحیح هستند و در مجموع قطعیت آنها ثابت است و افاده‌ی عمل و یقین می‌کند، لذا کسی که به خدا و پیامبرش ایمان داشته باشد آن را انکار نمی‌کند و تنها کسی که جاهل به دین اسلام و دشمنِ احکام آن و تابع شهوات باشد با این نصوصِ صریح مخالفت می‌کند!

## روزه‌ی ماه رمضان در اجماع مسلمانان

به اتفاق تمام علمای اسلام بلکه به اتفاق تمام مسلمانان از صدر اسلام تا عصر حاضر به تواتر عملی ثابت است که روزه‌ی ماه رمضان سی روز (و بیست ونه روز بنابر رؤیت هلال) است و در

---

[1]- صحيح البخاری، ج۶، ص۲۴ ح۴۵۰۴؛ صحيح مسلم، ج۲، ص۷۹۲ ح۱۱۲۵.

[2]- الأوسط - ابن المنذر، (ط: ۱، دار طيبة – الرياض، ۱۴۰۵هـ)، ج۵، ص۱۶۱ ح۲۵۹۸؛ صحيح مسلم، ج۱، ص۵۱۳ح ۷۴۶.

[3]- صحيح البخاری، ج۳، ص۳۹ ح۱۹۷۱؛ صحيح مسلم، ج۲، ص۸۱۱ ح۱۱۵۷.

آن احدی از مسلمانان و یا فقهاء اختلافی نداشته و بلکه کسی که آن را انکار نماید کافر و از دایره‌ی اسلام خارج می‌شود.

- امام ابن المنذر﵀(م۳۱۹هـ) می‌گوید: «همه علمایی که از آنها [معلوماتی] حفظ کرده‌ایم بر واجب بودن روزه ماه رمضان اجماع داشته‌اند.»[۱]
- امام ابن حزم اندلسی﵀(م۴۵۶هـ) می‌گوید: «مؤمن و کافر تردیدی ندارند که پیامبر ﷺ ماه رمضان را که در بین ماه شوال و شعبان است هر سال روزه گرفته است و همراه با ایشان هر مسلمانِ مرد و زنِ بالغ و مقیم (غیر مسافر) روزه گرفته است.»[۲]
- امام ابن عبدالبر﵀(م۴۶۳هـ) می‌گوید: «علماء اجماع دارند بر اینکه غیر از روزه‌ی ماه رمضان روزه‌ی دیگری واجب نیست.»[۳]
- امام ماوردی﵀(م۴۵۰هـ) می‌گوید: «مسلمانان بر واجب بودن روزه رمضان اجماع کرده‌اند و آن یکی از رکن‌های دین است، بنابراین هر کس آن را منکر شود کافر می‌شود.»[۴]
- امام ابن هُبَیْرَه﵀(م۵۶۰هـ) می‌گوید: «[علماء] اتفاق کرده‌اند بر اینکه روزه‌ی ماه رمضان یکی از رکن‌های اسلام است و واجبی از واجبات آن می‌باشد. و همچنین اتفاق دارند که فرض روزه‌ی ماه رمضان بر هر مسلمان مرد و زن به شرط بلوغ، عقل، طهارت (پاکی از حیض برای زنان)، توانایی و مقیم لازم و واجب است.»[۵]

---

[۱]- الإشراف علی مذاهب العلماء – ابن المنذر، (ط: ۱، مکتبة مکة الثقافیة، الأمارات العربیة المتحدة، ۱۴۲۵هـ)، ج۳، ص۱۰۷.

[۲]- الإحکام فی أصول الأحکام – ابن حزم، (ط: دار الآفاق الجدیدة، بیروت)، ج۴، ص۱۷۳.

[۳]- التمهید لابن عبدالبر، (ط: ۱،وزارة عموم الأوقاف والشؤون الإسلامیة، المغرب، ۱۳۸۷هـ)، ج۲۲، ص۱۴۸.

[۴]- الحاوی الکبیر – الماوردی، (ط: ۱، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۹هـ)، ج۳، ص۳۹۵.

[۵]- اختلاف الأئمة العلماء، (ط: ۱، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۳هـ)، ج۱، صص ۲۲۶ – ۲۲۷.

- امام علاء الدین کاشانی رحمه الله (م۵۸۷هـ) می‌گوید: «امّت بر فرض بودن روزه‌ی ماه رمضان اجماع دارند و جز کافر آن را انکار نمی‌کند.»[۱]
- امام ابن رشد رحمه الله (م۵۹۵هـ) می‌گوید: «اجماع بر وجوب روزه‌ی ماه رمضان؛ از هیچ یک از ائمه در این رابطه خلاف آن برایمان نقل نشده است.»[۲]
- امام ابن قدامه رحمه الله (م۶۲۰هـ) می‌گوید:«مسلمانان بر واجب بودن روزه‌ی ماه رمضان اجماع دارند.»[۳]
- امام نووی رحمه الله (م۶۷۶هـ) می‌گوید: «روزه‌ی رمضان رکن و فرضی است که بر واجب بودن آن اجماع شده است.»[۴]
- امام ابن تیمیه رحمه الله (م۷۲۸هـ) می‌گوید: «خداوند روزه‌ی ماه رمضان را واجب نموده و این بین مسلمانان مورد اتفاق است.»[۵]
- امام بدرالدین عینی رحمه الله (م۸۵۵هـ) می‌گوید: «بر فرض بودن روزه‌ی ماه رمضان اجماع منعقد شده است و لذا منکر آن کافر می‌شود و امّت گردهم آمده‌اند از زمان رسول الله ﷺ تا به امروز کسی آن را انکار نکرده است.»[۶]
- امام شوکانی رحمه الله (م۱۲۵۰هـ) می‌گوید: «همه مسلمانان اتفاق دارند که روزه‌ی رمضان واجبی است که خداوند متعال بر این امّت فرض نموده است.»[۷]

---

[۱]- بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع – الکاسانی، (ط: ۲، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۶هـ)، ج۲، ص۷۵.
[۲]- بدایة المجتهد ونهایة المقتصد – ابن رشد، (ط: دار الحدیث، القاهرة، ۲۰۰۴م)، ج۲، ص۴۶.
[۳]- المغنی لابن قدامة، ج۳، ص۱۰۴.
[۴]- المجموع شرح المهذب – النووی، ج۶، ص۲۵۲.
[۵]- المجموع الفتاوی – ابن تیمیة، ج۲۵، ص۱۱۶.
[۶]- البنایة شرح الهدایة – بدرالدین العینی، ج۴، ص۵.
[۷]- فتح القدیر – الشوکانی، (ط: ۱، دار ابن کثیر، دار الکلم الطیب، دمشق، بیروت، ۱۴۱۴هـ)، ج۱، ص۲۰۷.

- **علامه عبدالرحمن جزیری**ﷺ(م۱۳۶۰هـ) می‌گوید: «امّت اتفاق دارند بر فرض بودن روزه ماه رمضان، و احدی از مسلمانان مخالفت نکرده و آن افاده‌ی علم ضروری در دین می‌کند و منکر آن کافر است مانند کسی که واجب بودن نماز، زکات و حج را انکار نماید.»[۱]

## نتیجه‌گیری پایانی

با توجه به دلایلی متقن و استواری که ابتدا از قرآن کریم بیان شد و سپس از احادیث صحیح بلکه متواتر و در نهایت بیان اجماع و توافق علماء و مسلمانان از صدر اسلام تا عصر حاضر، همگی بر واجب بودن روزه‌ی ماه رمضان اذعان دارند و احدی از سلف و یا خلف مخالف آن را بیان نکرده‌اند بلکه شهرت و صراحت این روزه‌ی ماه رمضان در اسلام آن‌چنان است که مستشرقین و مخالفین اسلام نیز بدون هیچ تردیدی آن را پذیرفته‌اند و به‌عنوان رکنی اساسی در اسلام معرفی نموده‌اند. بنابراین نظر افراد جاهل و بی خردی که با تبعیت از تمایلات نفسانی خویش می‌خواهند بر این واجب شرعی که مورد توافق تمام مسلمانان است خدشه‌ای وارد کنند مسموع نبوده و کاملاً مردود می‌باشد. و هدف ما نیز در این کتابچه بیان و تشریح مستندات و مستدلاتی بود تا سبب تقویت ایمان مسلمانان و خاری بر چشم معاندین و جاهلان باشد، باشد که اهل خرد بیاندیشند!

***

﴿وَ السَّلامُ عَلى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدى﴾

**«رد شبهات ملحدین»**
**رمضان – خرداد / ۹۸**

---

[۱]- الفقه علی المذاهب الأربعة – الجزیری، (ط: ۲، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۴هـ)، ج۱، ص۴۹۴.